

Analysis of the Relationship between Rational Life and Spiritual Health in Allameh Jafari's Thought

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Abdul Hamid Rahmani¹
Mohammad Karami^{2*}

How to cite this article

Abdul Hamid Rahmani, Mohammad Karami, Analysis of the Relationship between Rational Life and Spiritual Health in Allameh Jafari's Thought. *Journal of Islamic Life Style*, 2021:5(1): 77-85.

1. PhD Student in Quranic and Hadith Sciences, Lecturer at Kermanshah Faculty of Quranic Sciences, Holy Quran University and Sciences, Kermanshah, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Islamic Education and Research Center between Islamic Education and Health Sciences, School of Medicine, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran (Corresponding Author).

ABSTRACT

Purpose: "Spiritual health" as the fourth dimension of health is emphasized by the World Health Organization and plays an important role in human life. Considering the comprehensiveness of Allameh Jafari in the movable and rational sciences, the good and ideal life is the same as the "reasonable life" in his view. Is located.

Materials and Methods: This research has been done by library study method by referring to the numerous and written works of Allameh Jafari and articles related to the concept of health and spirituality.

Findings: In the present study, life and the characteristics of its types, reasonable life and its requirements, the objectivity of good life with reasonable life and also the ways to achieve spiritual health through the path of reasonable life; It has been achieved as the transcendent goal of the Qur'anic teachings.

Conclusion: Considering the objectivity of the example of rational life with good life (Quranic ideal) and also spiritual health as a result of ideal life; The way to achieve peace and spiritual security is to pass through pure natural life and step into a reasonable life; Because stopping in natural life is an obstacle to philosophy and the real purpose of life. Therefore, from the perspective of Allameh Jafari, the cure for modern human pain; Knowledge, faith and practice are the high moral teachings of religion and man needs the Qur'an and the humanizing Qur'an.

Keywords: Reasonable Life, Good Life, Spiritual Health, Allameh Jafari

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: mohammad.karami@kums.ac.ir

Article History

Received: 2020/12/14

Accepted: 2021/03/03

تحلیل رابطه‌ی حیات معقول با سلامت معنوی در

اندیشه علامه جعفری

عبدالحمید رحمانی^۱

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، مدرس دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، کرمانشاه، ایران.

محمد کرمی^{۲*}

استادیار، گروه معارف اسلامی و مرکز تحقیقات بین رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

هدف: "سلامت معنوی" به عنوان بُعد چهارم سلامت مورد تأکید سازمان جهانی بهداشت است و در زندگی انسان نقش به‌سزایی دارد. با توجه به جامعیت علامه جعفری در علوم منقول و معقول، حیات طیبه و ایده‌آل از منظر ایشان همان "حیات معقول" بیان شده است، لذا در این پژوهش، بایسته‌های حیات معقول در ارتباط با سلامت معنوی، مورد مذاقه و تحلیل قرار گرفته است.

مواد و روش: این پژوهش به روش مطالعه کتابخانه‌ای و با مراجعه به آثار متعدد و مکتوب علامه جعفری و مقالات مرتبط با مفهوم سلامت و معنویت، انجام گرفته است.

یافته‌ها: در پژوهش حاضر، حیات و مختصات انواع آن، حیات معقول و بایسته‌های آن، عینیت حیات طیبه با حیات معقول و نیز طُرُق نیل به سلامت معنوی از مسیر حیات معقول؛ به عنوان هدف متعالی تعالیم قرآنی، به‌دست آمده است.

نتیجه‌گیری: با عنایت به عینیت مصداقی حیات معقول با حیات طیبه (ایده‌آل قرآنی) و نیز سلامت معنوی به عنوان نتیجه حیات ایده‌آل؛ راه رسیدن به آرامش و اطمینان روحی، گذر از حیات طبیعی محض و گام نهادن در حیات معقول است؛ زیرا توقف در حیات طبیعی، مانع فلسفه و هدف حقیقی زندگی است. بنابراین از منظر علامه جعفری، دوی دردهای بشر امروزی؛ علم، ایمان و عمل به تعالیم والای اخلاقی دین بوده و انسان نیازمند قرآن و قرآن‌انسان‌ساز است.

کلید واژه‌ها: حیات معقول، حیات طیبه، سلامت معنوی، علامه جعفری.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۳

*نویسنده مسئول: mohammad.karami@kums.ac.ir

مقدمه

سلامت معنوی به‌عنوان یکی از ابعاد چهارگانه سلامت، نیم قرن است که مورد توجه دانشمندان و روانشناسان قرار گرفته، در حالی که در تمام تعالیم دینی و الهی، از همان ابتدای خلقت، توجه به تمام ابعاد وجودی انسان مورد نظر و تأکید بوده است. مفهوم "سلامت معنوی" تا چند دهه پیش، مورد غفلت زیر شاخه‌های علوم سلامت مدرن و بسیاری از روان‌شناسان و دانشمندان بود و فقط به سه بُعد جسمی، روانی و اجتماعی در موضوع سلامت توجه می‌نمودند. تا اینکه "موبرگ" در سال ۱۹۷۱، مفهوم سلامتی معنوی را مطرح کرد و بعد از آن توجه اندیشمندان علم روان‌شناسی را به خود معطوف کرد. (۱)

سلامت معنوی از دیدگاه اسلام، در واقع ارتباط و اتصال معنوی بنده با خدا، یا همان آرامش قلبی است و در همین ارتباط با خالق است که انسان از اضطراب‌ها، دل‌نگرانی‌ها و تشویش‌ها رها می‌شود و به آرامش می‌رسد (۱). با نگاهی حتی ظاهری به دنیای کنونی، متوجه می‌شویم، هرچه بشریت از هویت دینی خود فاصله می‌گیرد تا به پندار خویش، آزادتر و راحت‌تر زندگی کند، بیشتر دچار بی‌ارزشی شده و احساس پوچی می‌کند. با مقایسه‌ی آمارهای خودکشی و بیماری‌های روحی-روانی در جوامع دینی و مادی، به اهمیت سلامت معنوی در جوامع انسانی پی می‌بریم. (۱) درباره "رابطه‌ی حیات معقول با سلامت معنوی در اندیشه علامه جعفری" تاکنون کتاب، مقاله و یا پایان‌نامه‌ای به‌طور مستقل نگاشته نشده است، اما در ارتباط با "حیات معقول در اندیشه علامه جعفری" و "حیات معقول از دیدگاه علامه محمدتقی جعفری با تأکید بر تفسیر نهج البلاغه، به نویسندگی حسن مهدی‌فر و راهنمایی محمد مهدی گرجیان رساله‌ای نوشته شده و مقالاتی نیز به صورت کلی مانند ویژگی‌های حیات معقول به عنوان هدف متعالی انسان و راه‌های وصول به آن در اندیشه علامه محمدتقی جعفری از فاطمه زارع و جعفر شانظری و نیز آزادی و حیات معقول در اندیشه آیت‌الله محمدتقی جعفری از شریف لک‌زایی در این زمینه نگاشته شده است.

اهمیت پژوهش حاضر از آن نظر است که به دیدگاه شخصیتی می‌پردازد که از یک جامعیت در علوم نقلی و عقلی برخوردار است و بیاناتی در باب بیماری‌های روحی، ریشه‌های آن و حیات معقول به‌عنوان راه برون‌رفت از آن مشکلات دارند. علامه جعفری از یک سو بر این باور است که در هستی‌شناسی، بدون شک، تنها "حیات معقول" است که می‌تواند دو چهره مهم جهان هستی را بنمایاند؛ ۱- مشاهده "چهره طبیعی عینی جهان"، (همین نمودها و روابط) و ۲- «واقعیت برین جهان هستی، که رو به هستی آفرین دارد». (۲) و نسبت واقعیت برین با چهره عینی و مادی جهان، تقریباً نسبت روح با کالبد مادی است. واقعیت "امر" که شبیه روح جهان است، تعینی از مشیت الهی است که به ذات خداوند فیاض مطلق مربوط است. (۲) از سویی دیگر، حیات معقول را در قلمرو انسان شناختی می‌داند. (۲) لذا انسان‌شناسی و غایت‌شناختی بر نوع نگاه به سلامت، به‌طور عام و سلامت معنوی به‌خصوص، اثرگذار و بلکه ریشه اصلی فشارهای روانی بشر ناشی از عدم تصویری درست از حقیقت انسان و راه دست‌یابی به سلامت حقیقی و سعادت واقعی است. در این مقاله به بررسی رابطه‌ی حیات معقول با سلامت معنوی در اندیشه علامه

است که هم به جهت توفیق‌هایش شگفت‌انگیز، و هم به جهت شکست‌هایش و نیز انسانیت‌زدایی نهایی از بیماران، وحشتناک است و اینک همین انسانیت‌زدایی از بیماران به صورت مسأله‌ای اخلاقی در آمده است که در کنار تجاری شدن (نه تجاری‌سازی) و فناورانه شدن افراطی طب، بسیاری از افراد را حتی در مغرب‌زمین به گونه‌های جایگزین طبابت، سوق داده است. (۵)

بنابراین سلامت معنوی از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا این نوع از سلامت، علاوه بر اینکه می‌تواند در خدمت دیگر اضلاع سلامت مانند: جسمی، روانی و اجتماعی قرار گیرد، می‌تواند در پدید آوردن انسان سالم و حرکت کردن به سوی تکوین انسان کامل ایفای نقش کند. در این راستا، "قلب"، به‌عنوان خاستگاه و معدن اصلی سلامت معنوی معرفی شده است؛ زیرا این بُعد از سلامت، زمانی حاصل می‌شود که قلب، جان و روح انسان سالم باشد. در این حالت است که سایر اعضای بدن انسان، تحت تأثیر سلامت قلب قرار گرفته و راه سالم را می‌پیمایند در فرهنگ و نگاه قرآن و حدیث، "قلب حقیقی" (نه قلب صنوبری) به‌عنوان یک منبع شناخت و عرفان و خاستگاه اصلی معرفت و سلامت معنوی به‌حساب می‌آید. (۶)

حیات

"حیات" در لغت در مقابل "موت" و به معنای زنده بودن (۷)، (۸) نیروی رشد‌دهنده گیاهان و حیوانات، نیروی حس‌کننده، قوه و نیروی عمل‌کننده عاقله، شکوفایی و شادابی پس از اندوه، حیات جاودان اخروی (۹) و نیز صفتی که خدای تعالی با آن توصیف می‌شود، آمده است. حیات در معنای اخیر، مقابل ندارد. (۱۰) به طور کلی "حیات" از سوی اندیشمندان اسلامی به دو صورت تعریف شده است: اول اینکه؛ موجود به گونه‌ای باشد که جذب و دفع، رشد و نمو و تولید مثل داشته باشد. (۱۱) اگرچه فهم حقیقت "حیات"، دست نیافتنی و یا بسیار مشکل است؛ اما این امر مسلم است که برخی از موجودات که ما آن‌ها را زنده می‌دانیم (نبات و حیوان)، آثار و فعالیت‌هایی مانند: خاصیت تغذیه، رشد و تکامل تدریجی و توان بر بقای نسل وجود دارد که در موجوداتی که حیات ندارند، این خواص وجود ندارد. (۱۲) تعریف دوم حیات: موجود؛ "دراک فعال" باشد؛ یعنی دارای علم و آگاهی بوده و نیز از او فعل صادر شود. (۱۳)، (۱۴) با توجه به این معنا، هر مقدار علم و توانایی موجودی بیشتر باشد، حیات او افزون‌تر است و فقط خداوند "حی" مطلق است؛ زیرا دراک مطلق و فعال مطلق اوست، نه اینکه خداوند قلب، رگ، خون، رشد و نمو و تولید مثل داشته باشد. بر اساس معنای اول حیات، نمی‌توان خداوند را به "حی" متصف کرد؛ چون نوعی نقص برای خداوند محسوب می‌شود. ولی در معنای دوم از حیات، خداوند و مجردات- اگر چه دارای نفس نیستند- ولی دارای حیات هستند؛ بلکه باید گفت: بر اساس معنای دوم از حیات، بالاترین مرتبه از حیات از آن خداوند است. با مذاقه در آثار علامه جعفری، می‌توان گفت که؛ مباحث ایشان در بیان حیات و انواع آن و تفسیر حیات معقول و طیبه، در معنای دوم حیات جای دارد.

جعفری خواهیم پرداخت و هدف در این نوشتار دستیابی به پاسخ دو پرسش اساسی است؛ (۱) رابطه‌ی حیات معقول با سلامت معنوی از منظر علامه جعفری چیست؟ (۲) در اندیشه ایشان، چه راه‌کارهایی برای دستیابی به سلامت معنوی وجود دارد؟

مواد و روش تحقیق

این پژوهش به روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام گرفته است. در ابتدا، با مراجعه به آثار متعدد و مکتوب علامه جعفری و مقالات مرتبط با مفهوم حیات معقول، مفهوم سلامت و سلامت معنوی در پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه اطلاعاتی جهاد دانشگاهی (SID)، Noormagz و بانک مقالات پزشکی ایران، مبانی ایشان در خصوص حیات، انواع آن و حیات معقول استخراج شده و سپس به تحلیل آن اصول در جهت تبیین ارتباط حیات معقول با سلامت معنوی پرداخته شده است.

مفاهیم و تعاریف

سلامت

واژه "سلامت" در لغت به معنای بی‌گزند شدن، بی‌عیب شدن، آرامش و امنیت (۳) و نیز به معنای تندرستی و عافیت و در نقطه مقابل بیماری است. اگرچه تا قبل از یک قرن پیش، تعریف سلامت فقط محدود به مباحث جسمی، روانی و اجتماعی انسان بود، ولی از حدود پنجاه سال پیش، سازمان بهداشت جهانی به ضرورت توجه به بُعد معنوی سلامت در کنار سایر ابعاد سلامت پی برد. به همین دلیل، پژوهش‌های کمی و کیفی درباره سلامت معنوی نسبت به سایر ابعاد سلامت، کمتر است. سلامت معنوی شامل: همه‌ی ساحات غیر مادی انسان اعم از: عاطفی، عقلانی، روحی، روانی، اعتقادی و عبادی است؛ بدین‌ترتیب، سلامت معنوی شامل: سلامت در باورها، عقاید، ارزش‌های اخلاقی و اعمال و مناسکی که لازمه‌ی این باورها و التزام به این ارزش‌هاست، نیز می‌شود. (۱)

مفهوم سلامت معنوی، نخستین بار در سال ۱۹۷۱ میلادی تحت عنوان "بهبودی معنوی" مطرح گردید، مفهومی که بیش از همه بر بهبودی شخصی فرد و ارتباط او با خدا تأکید داشت و بعد از آن، موضوع سلامت معنوی یا همان بهبودی معنوی و تندرستی معنوی از سوی دانشمندان علم روان‌شناسی نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت و توسعه یافت. (۱) متأسفانه در چند قرن گذشته، شکاف عمیقی بین علم پزشکی و حالات اعتقادی و معنوی ایجاد شده است و پزشک، صرفاً مسائل جسمی سلامت و به مقدار کمتری، مسائل روانی سلامت را در دانشکده‌های پزشکی می‌آموزد و در طبابت نیز منظور می‌نماید. بعد از گذشت دهه‌ها، سلامت معنوی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم سلامت در دنیا شناخته شده و این تفکر رشد کرده است که بدون سلامت معنوی، دیگر ابعاد سلامت (جسمی، روانی و اجتماعی) نمی‌تواند به حداکثر ظرفیت خود برسد و در نیل به بالاترین سطح کیفیت زندگی، ناتوان خواهد بود. (۴) سید حسین نصر درباره نگرش طب جدید به انسان می‌گوید:

با پذیرش دیدگاه مکانیکی درباره بدن به‌عنوان یک ماشین از سوی برخی فیلسوفان و حتی پزشکان، از آن دوران تا به امروز، شاهد تخریب مستمر راز جسم بشری و تبدیل آن از یک حریم اندرونی خصوصی متعلق به خداوند، به مکانی عمومی که هر گونه رازی از آن زوده شده است، بودیم. نتیجه این امر، پیدایش نوعی طب بوده

یافته‌ها

حیات در اندیشه علامه جعفری

"حیات" عالی‌ترین پدیده‌ای است که در قلمرو طبیعت وجود دارد و از ویژگی‌هایی چون: ذات، احساس تکاپوی آگاهانه، تولید نسل و تلاش برای بقای آن برخوردار است که البته پدیده‌های مادی از آن بی بهره‌اند. (۱۵) حیات، اصیل‌ترین هدف و فلسفه حیات بشری است. (۱۶) بنابراین، شناخت حیات در معنای زندگی و انواع آن، این امکان را فراهم می‌سازد که مقصود خود را به درستی تعیین کنیم؛ زیرا تبیین "حیات" نقطه اتصال با سلامت معنوی بوده و در ارتباط آن با حیات معقول، نقش محوری ایفا می‌کند.

حیات طبیعی

در اندیشه علامه جعفری، هر کسی موظف است که درباره فلسفه و هدف حیات خود تأمل نماید تا به پاسخ رضایت‌بخشی برسد، ولی باید بدانیم که با نظر به خود حیات طبیعی، تنها فلسفه و هدفی که از آن به دست می‌آید، همان احتیاجات طبیعی و لزوم برآورده کردن آنهاست، لذا برای داشتن حیاتی که قابل تفسیر با فلسفه و هدف معقول باشد، باید دست به ساختن زندگی زد. فکر کردن درباره حیات طبیعی، فلسفه و هدف آن، وقت و انرژی مغزی را تلف می‌کند؛ زیرا شبیه دویدن به دنبال سایه خویشتن است. (۱۷) به اعتقاد ایشان، حیات طبیعی محض، نوعی زندگی حیوانی است و افرادی که در آن ساکن‌اند، به تنازع بقا اشتغال دارند. در حیات طبیعی محض، اشباع غرایز طبیعی، اصالت دارد و حیات انسانی، اسیر خواسته‌های طبیعی است و ابعاد مثبت وجود آدمی (معنوی-روحی)، به فراموشی سپرده می‌شود و بسیاری از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و استعدادها و نادیده گرفته و یا به نابودی گراییده است. این حیات، دارای ویژگی‌هایی است که در آن، ابعاد و ظرفیت‌های وجودی و استعدادها و آدمی در نیل به تعالی و کمال، دست‌خوش فراموشی می‌شود و رضایت به احساس لذت شخصی، نفوذ ناپذیرترین سد میان انسان و حیات معقول است (۲) این لذت‌گرایی شخصی، تفکر حاکم بر جوامع غربی است و باید بدانیم که فقط "مرگ" پایان این حیات را رقم خواهد زد. (۱۸)

حیات معقول

حیات معقول در اندیشه علامه محمد تقی جعفری در مقابل حیات طبیعی محض قرار دارد. ایشان می‌گوید:

حیات آگاهانه‌ای که نیروها و فعالیت‌های جبری و جبرنمای زندگی طبیعی را با برخوردارگی از رشد آزادی شکوفا شده در اختیار، در مسیر هدف‌های تکاملی نسبی تنظیم نموده، شخصیت انسانی را که تدریجاً در این گذرگاه ساخته می‌شود، وارد هدف اعلای زندگی می‌نماید. این هدف اعلا، شرکت در آهنگ کلی هستی وابسته به کمال برین است. (۲)

وی در تعریفی دیگر از حیات معقول می‌گوید:

حیات معقول عبارت است از: تکاپوی آگاهانه آدمی که هر یک از مراحل زندگی که در این تکاپو سپری می‌شود، اشتیاق و نیروی حرکت به مرحله بعدی را در انسان می‌افزاید. شخصیت انسانی، رهبر این تکاپوست؛ آن شخصیتی که ازلیت؛ سرچشمه آن است، این جهان معنادار؛ گذرگاهش و قرار گرفتن در جاذبیت کمال مطلق در ابدیت؛ مقصد نهایی‌اش؛ آن کمال مطلقی که نسیمی از محبت و

جلالش، واقعیات هستی را به تموج درآورده و چراغی فرا راه پر فراز و فرود تکامل ماده و معنی می‌افروزد. (۱۹)

با دقت در تعاریف فوق، می‌توان گفت که علامه جعفری با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و دینی، حیات ایده‌آل را همان حیات معقول دانسته است. از منظر ایشان، حیات معقول در مقابل حیات طبیعی محض قرار دارد و عنصر اساسی برای درک و دریافت حقایق حیات معقول، وابستگی آن به خداست (۱۷) لذا حیات معقول، حیاتی است که: (۱) آگاهانه است؛ (۲) دارای هدف متعالی است؛ (۳) حیات و تفسیر درست آن، اصیل‌ترین هدفی است؛ (۴) دارای تعهد برین است؛ انسان خود را وابسته به جهان هستی، به عنوان جلوه‌ای از مشیت و اراده الهی، بداند؛ (۵) دین، مهم‌ترین راه دست‌یابی به آن هدف متعالی است؛ (۶) ارزش انسان در نیل به آن هدف متعالی است؛ (۷) هدف متعالی، همان حیات معقول است، که همان نگرش فلسفی و عقلانی به حیات طیبیه است؛ (۸) مقصد نهایی در آن، رسیدن به قرب کمال مطلق (خدا) است.

تبیین "معقول" در حیات معقول

علامه جعفری، فعالیت‌های متنوعی که در مغز آدمی صورت می‌گیرد را تعقل می‌نامد که عامل تمام آن فعالیت‌ها، عقل است. فعالیت‌هایی مانند: تداعی معانی، تجسیم تجرید و غیره. ایشان عقل را به دو شاخه نظری و عملی تقسیم می‌کند. از دیدگاه او عقل نظری دارنده دو وظیفه مهم است: ۱- توصیف "آنچه هست"، از نظر تحلیلی و ترکیبی ۲- توجیه انسان به هدف و انتخاب وسایلی که درباره واقعیات تشخیص داده. اینکه تشخیص مزبور صحیح است یا نه، عقل نظری کاری به آن ندارد. از نظر ایشان عقل نظری، راه استنتاجات منطقی را بیان می‌کند، اما اینکه از این استنتاجات منطقی چگونه بهره‌برداری شود؟ آیا به مصلحت واقعی خود تعقل کننده و دیگر انسان‌ها هست یا نه؟ خود را موظف به پاسخ این پرسش نمی‌داند. اما عامل پاسخ‌دهنده به این پرسش‌ها، عقل عملی است که عبارت است از: وجدان آگاه از اصول و قوانین که توانایی تطبیق آنها را بر موارد خود داراست. (۲۰)

مقصود از عقل در "حیات معقول" عقل نظری از یک سو و عقل عملی که وجدان آگاه، فعال و محرک است، از سوی دیگر، هر دو در استخدام شخصیت رو به رشد و کمال آدمی قرار می‌گیرد و موجبات تعالی او را فراهم می‌سازد. البته این کمال و تعالی، موقعی امکان‌پذیر می‌شود که آن دو با یکدیگر هماهنگ باشند. (۲، ۲۰) پس مقصود از معقول، تعادل عقل نظری، عقل عملی و هماهنگی بین آن دو است.

حیات معقول (حیات حقیقی)

علامه جعفری با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی، حیات ایده‌آل را حیات معقول دانسته است. (۲۱) یکی از آیاتی که حیات معقول را گوش‌زد می‌کند، آیه: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» است. (نحل/۹۷) ایشان در تفهیم معنای آیه، حیات پاکیزه را حیات معقول معنا و اذعان می‌کند. (۲) شکی نیست که منظور قرآن از حیات طیبیه، حیات طبیعی محض نیست؛ زیرا پاکیزگی حیات از آنجا ناشی می‌شود که طبیعت واقعی حیات در

می‌شود، شکوفایی بُعد روحی حیات انسانی، سبب می‌گردد که هر ابزار شناخت، کار و منطق خود را انجام دهد.

بنابراین، زندگی فریبنده، ۱_ مانع شکوفایی بُعد روحی حیات است. ۲_ و شکوفایی بُعد روحی انسان، ارزش و احترام به انسان را در پی دارد. ۳_ و فعلیت بُعد روحی حیات، نیازمند مدیریت واحد صدها نیروی انسان است که امروزه در روان‌شناسی و علوم سلامت مدرن و زیر شاخه‌های آن، نسبت به آنها غفلت وجود دارد و تنها به مطالعه فیزیکی، رفتارها و فعل و انفعالات درونی انسان پرداخته می‌شود که؛ «روان‌شناسی، از سر بی‌تن شروع می‌شود و تدریجاً به تن بی‌سر می‌رسد». (۲۶)

اهمیت انسان‌شناسی در سلامت معنوی

علامه جعفری همواره توجه خاصی به مسأله انسان و شناخت او داشته است. نگاهی به آثار مختلف ایشان حاکی از آن است که شناخت حقیقت انسان در محور مباحث او قرار دارد و با الهام گرفتن از آیات قرآن و روایات دین می‌کوشد به دیدگاهی جامع از انسان دست یابد و بر اساس این، معتقد است در شناخت انسان نباید از روش تجزیه محض و عشق ورزیدن به یک یا چند بُعد محدود او بهره گرفت، بلکه باید کوشید به دیدگاهی کامل از انسان آن‌گونه که هست و آن‌گونه که باید باشد، دست یافت. (۲۷) وضعی که امروزه جوامع بشری در آن قرار گرفته است، چنین نتیجه می‌گیرد که: «از انسان و انسانیت، جز قیافه‌های محدودی، آن هم برای ایجاد همزیستی و رفع مزاحمت از یکدیگر، چیزی روشن نشده است». (۱۷)

علامه جعفری، ضمن تقسیم جوهره وجود آدمی به دو بُعد مادی و روحی، هر یک از دو بُعد را در تکامل من انسانی سهم می‌داند. تعلیم و تربیت‌های معقول باید انسجام و اتحاد و هماهنگی دو بعد مزبور را در مسیر به نتیجه رساندن فعالیت‌های آنها هموار کند. علامه جعفری اهمیت سلامت بُعد مادی حیات (سلامت جسم) را از دو جهت ترسیم می‌نماید: جهت نخست اینکه؛ ابعاد مادی حیات در مجرای قوانین خاص خود قرار گرفته و انسان زنده از کمترین اخلاق در آن ابعاد، احساس رنج و شکنجه می‌بیند. به عبارت دیگر، اهمیت این بعد در خود آن نهفته و در هر لحظه‌ای جویای تأمین و تضمین خود است. جهت دوم؛ اهمیت این بُعد در آن است که بُعد مادی حیات، میدان فعالیت بُعد روحی انسان است و با هر خللی که در آن رخ می‌دهد، بُعد روحی حیات به همان اندازه مختل می‌گردد. به عبارتی، "بُعد مادی" جنبه وسیله‌ای برای رشد و کمال بُعد روحی تلقی می‌شود، البته از نظر علامه جعفری، بعد روحی حیات آدمی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است به نحوی که هر اندازه در اداره حیات انسانی، بُعد روحی مؤثرتر بوده باشد، حیات به رشد و کمال خود موفق‌تر می‌شود و مسلماً تمایز انسان از دیگر جانداران در همین بُعد نهفته است. بُعد روحی برخلاف بعد مادی حیات، نیاز شدید به تعلیم و تربیت و اراده به فعلیت رساندن دارد. (۲۶) بنابراین، خلقت انسان ترکیبی از جسم و روح است، از این‌رو، سلامت او نیز شامل سلامت جسمی و روحی (معنوی) می‌شود.

حیات معقول؛ راه کارها و ثمرات

طرق نیل به حیات معقول

موجودیت انسانی با تمام ابعاد خود جریان یابد و این در حالی است که اساسی‌ترین بُعد طبیعت واقعی حیات، "گردیدن تکاملی" بوده که خداوند در نهاد انسان‌ها به ودیعت نهاده است. (۲۲)

علامه جعفری بین مبنای فلسفی حیات معقول و مبنای قرآنی آن در ارتباط با حیات طیبیه، پیوند عمیقی برقرار کرده است: «مقصود ما از حیات معقول، زندگی است که با فعلیت رسیدن ابعاد اصیل حیات در مسیر کمال و بارور شدن آن‌ها در آن زندگی تأمین می‌شود. این حیات معقول است که در قرآن با عنوان حیات طیبیه تذکر داده شده و هدف بعثت پیامبران الهی و آرزوهای انسانی همه عظمای بشریت در همه‌ی قاره‌های کره‌ی زمین از باستانی‌ترین دوران تاریخ تا به امروز، همین حیات طیبیه بوده است». (۲۳) ایشان در شرح آیه ۲۴ سوره انفال نیز می‌نویسد: «زندگی مستند به دلیل روشن، همان "حیات معقول" است که تکیه‌گاه عقلانی دارد و هیچ سؤالی از سؤال‌های مربوط به هدف‌های نسی و هدف مطلق زندگی را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. مقصود از حیات دنیوی، بدون تردید "حیات طبیعی محض" است که در برابر "حیات پاکیزه" (حیاء طیبیه) و "حیات قابل استدلال" (زندگی مبتنی بر دلیل و برهان روشن) قرار می‌گیرد. خداوند در قرآن می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول او را اجابت کنید، هنگامی که شما را به آن‌چه که حیات می‌بخشد، دعوت می‌نمایند». (انفال/۲۴)

مسلم است که خطاب این آیه با مردمان زنده بوده است، نه مردگان پوسیده در زیر خاک؛ کسانی که زندگی آنان از مثنی حرکات و سکون‌های پست حیوانی و خود محورانه تجاوز نمی‌کرد. اینان مردگانی بودند که از زندگی، جز نام آن را که به خود بسته بودند، بهره‌ای نداشتند. بر این اساس، حیاتی که اسلام آنان را برای برخورداری از آن دعوت می‌کرد، "حیات معقول" بود و بس! در نتیجه می‌توان گفت: "حیات طیبیه یا حیات حقیقی" عبارت است از: "حیات مستند به بیته"، که ما آن را "حیات معقول" نام می‌نهیم. (۲۴)

تبیین و بررسی یافته‌ها

ابعاد حیات انسانی

ایشان با پذیرش جهات مجهول واقعیات هستی، انسان را از پیچیده‌ترین واقعیات هستی می‌داند؛ زیرا انسان دارای دو ساحت مادی و تجردی است که بُعد اخیر، قابل شناخت حسی و تجربی نیست؛ زیرا این ناتوانی ناشی از تصمیم بی‌اساس اصول و قوانین جاریه در طبیعت عینی خارجی است که ما می‌خواهیم با آن اصول و قوانین، نیروها و فعالیت‌ها و پدیده‌های روانی را تفسیر کنیم. (۲۵) از این جهت است که تعریف انسان به جنس و فصل را ناکافی و ناقص می‌داند، انسان و حیات او یک پدیده‌ی با عظمت است و آغاز آن به مراحل پست عالم ماده و مادیات برنمی‌گردد؛ حیات، فعلیت و دوام خود را می‌خواهد و دارای احترام ذاتی است و برای دریافت هدف حیات باید از طبیعت جبری و ناآگاه حیات (حیات طبیعی) و لذت‌های دنیوی بالا برود؛ زیرا خلقت انسان به حق بوده و هدف حیات انسان، جهان دیگری است که از نظر عظمت و بقا و اصالت، با حیات زودگذر دنیا قابل مقایسه نیست. لذا، انسان دارای دو حیات مادی و روحی است. خلل در هر یک، سبب اخلاق در بُعد دیگر

"دین" و "علم"، دو رُویه حیات معقول در اسلام هستند. اگر ما حیات معقول را دارای دو رُویه یا دو بُعد فرض کنیم، بدون تردید یکی از آن دو، "دین" خواهد بود و دیگری "علم و معرفت". شاید برای برخی از کسانی که با داشتن اطلاعاتی محدود، در این گونه مسائل بسیار مهم اظهارنظر سطحی می‌کنند، این ادعا بعید و غیر واقعی تلقی شود، ولی وقتی که برای یک انسان محقق، مدارک و منابع لازم و کافی حاصل شود، از تردید و انکار مردم بی‌اطلاع، باکی به خود راه نخواهد داد. (۲۴) حقیقت این است که مهم‌ترین مختص سلامت و پاکی فطرت آدمی، عشق به حقیقت‌یابی است، تا زمانیکه آلودگی‌های پست حیوانی، آن را محو نکرده باشد. (۱۷) "حیات معقول"؛ جهت کلی علوم در اسلام است. (۲۴) رضایت به احساس لذت شخصی که اساسی‌ترین ویژگی حیات طبیعی است، نفوذ ناپذیرترین سدی است که می‌تواند میان انسان و "حیات معقول" به وجود آید. (۲) بر اساس آموزه‌های قرآنی، شرایط رسیدن به حیات طیبه دو چیز است: ایمان و عمل صالح. از این رو در آیات قرآن بهشت و اجر و پادشاه‌های اخروی که همان حیات طیبه است در گرو آن‌ها دانسته شده است. (عنکبوت/ ۵۸؛ لقمان/ ۸؛ کهف/ ۸۸؛ رعد/ ۲۹) اصولاً از نظر قرآن دست‌یابی به زندگی سالم و خوشبختی دنیوی نیز در گرو همین ایمان و عمل صالح است. (نور/ ۵۵)

از منظر علامه جعفری، والاترین هدف حیات، حیات معقول است و راه رسیدن به آن در گرو عمل به تعالیم والای اخلاقی دین است که کوتاه‌ترین و حساب شده‌ترین مسیر دستیابی به حیات طیبه است. (۲۱) علامه جعفری در این مبنا با علامه جوادی آملی هم رأی است. جوادی آملی معتقد است که؛ حیات معقول، راهی برای دستیابی انسان به حقیقت حیات خویش است و تحصیل حقیقت حیات انسان، جز از راه علم و ایمان و عمل صالح میسر نیست و این همان حیات طیبه‌ای است که خداوند، مؤمنان را به آن وعده داده است؛ بنابراین نه تنها حیات انسان به زندگی مادی محدود نمی‌شود، بلکه در جهت حیات اخروی است. (۲۸) علامه جعفری در پاسخ به این پرسش که: ای کاش، یک کتاب هم درباره پیدا کردن این درد که مانع اصلی پیدا کردن دردها و درمان‌های خویشتن انسان باشد، تألیف می‌شد؛ می‌گوید: «قطعی است که این کتاب به وسیله کتاب‌های آسمانی و آن دسته از صاحب‌نظران وارسته از آلودگی‌ها که آن‌ها را برای مردم تفسیر و تفهیم نموده‌اند، تألیف و در اختیار آنان گذاشته شده است. این درد عبارت است از: "خودخواهی تعدیل نیافته" که هر لحظه با شرنگ "جهل مرکب" آبیاری می‌شود. برای مبارزه با این درد، یک دوا وجود دارد که بدون آن کاری از دست هیچ‌کس ساخته نیست. این دوا عبارت است از: اراده، که تا در درون آدمی به وجود نیاید و نفس از خواب برنخیزد، محال است بیماری مزبور از بین برود.» (۱۷) از نظر علامه، دوی دردهای نفسانی و روانی که زندگی بشریت را تباہ می‌کند، در قرآن کریم است. (۱۷)

ثمرات نیل به حیات معقول

۱. اطمینان و آرامش در حیات معقول: که از آن قلب است. این آرامش و اطمینان، از حق شروع و در حق ختم می‌شود. مادامی که قلب مسخ نشده و هویت طبیعی خود را از دست نداده است، اضطراب و تشویش در سرنوشت انسانی دست از آن بر نخواهد داشت، (۱۷) تا رابطه خود را با خدا به طور صحیح برقرار کند. استناد اطمینان و آرامش به قلب، مورد تأکید قرآن کریم است. (مائده: آیه ۱۱۳، انفال آیه ۱۰، نحل آیات ۱۰۶ و ۱۱۲)
 ۲. این قلب سلیم است که می‌تواند جهان و انسان و ارزش‌های آن دو را بشناسد و بس. در نتیجه، آن چه که آدمی می‌تواند به - عنوان محصول "حیات معقول" و ارمغان وجود خویش به بارگاه خداوندی ببرد، فقط، قلب سلیم است که باید در این دنیا برای به دست آوردن و ساختن آن، حداکثر کوشش انجام بگیرد. (۱۷)
 ۳. سعادت انسان و بهشت ابدی و اخروی: البته این حیات طیبه در جهان دنیوی نیز قابل تحقق است.
 ۴. جامعه دارای حیات طیبه، جامعه‌ای است که آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعادل و مفاهیم سازنده انسانی در آن موج می‌زند و از نابسامانی‌ها و درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار و ظلم و طغیان و هوا پرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید و آسمان زندگی را تیره و تار می‌سازد در امان است.
- تیبین رابطه‌ی سلامت معنوی با حیات معقول
- علامه با توجه به نحوه فعالیت‌های آدمی، دو جنبه مختلف را بیان می‌کند: بُعد جسمانی و بعد روحانی. اما از نظر ایشان، مهمترین بُعد وجود آدمی، جنبه روحانی آن است؛ جنبه معنوی انسان بر جنبه مادی‌اش برتری دارد و انسان برای پیش‌برد مسائل مادی خود می‌کوشد از تجلیات روحی خود بهره ببرد. ایشان در توصیف بُعد معنوی انسان یا همان روح، می‌گوید: «روح تجسم فیزیکی ندارد و در مجرای رویدادهایی نیست که بتوان زمان فیزیکی را از آن انتزاع کرد، روح برای سپری کردن یک مسافت اگر چه دورترین مسافت - ها باشد نیازی به در نوردیدن نقاط فیزیکی مسافت ندارد؛ زیرا طی مسافت برای مجرد، احتیاجی به کشش زمان ندارد.» (۲۹)
- علامه جعفری، بُعد معنوی انسان را که همان روح یا "خود" است، حقیقت انسان محسوب می‌کند. او در توضیح این حقیقت می‌گوید که روح دارای چنان عظمتی است که اگر در هر چیزی نفوذ کند، آن را متلاشی می‌کند و برای رسیدن به آرمان اعلای خود از حیات طبیعی عبور می‌کند. (۳۰) البته از نظر او، روح آدمی جزئی از روح خداوندی نیست؛ زیرا خداوند روح به آن معنایی را که در انسان‌ها به وجود آمده است، ندارد؛ خداوند، خالق ارواح، اجساد و مافوق همه‌ی کائنات است، بلکه منظور از انتساب روح انسان به خداوند به جهت عظمت و ارزش والای آن است. (۳۱) بنابراین، نقطه آغازین برای جستجوی معنای زندگی، "شناخت هویت" و تأمل در "خود" است و اگر انسان پاسخی برای این سؤال بیابد، هرگز به پوچی که تباہ‌کننده هویت انسانی است، نمی‌رسد:
- من کیستم تبه شده سامانی افسانه ای رسیده رو به پایانی (۲۳)
- از نظر علامه جعفری، روش تجزیه‌ای و تخصص‌گرایی در میان

در مسیر حیات معقول، احساسات خام و ابتدایی انسان به احساسات تصعید شده، تعقل‌های جزئی به تعقل‌های عالی‌تر تحول پیدا می‌کند. (۳۷) طبق مبنای ایشان، معنای حیات زمانی دانسته می‌شود که انسان شناخته شود و معنای صحیح مرگ هنگامی واضح می‌شود که معنای حیات به درستی فهم شده باشد. بر این اساس حیات طبیعی مقدمه و وسیله‌ای است برای رسیدن به حیات معقول و با مرگ انسان، حیات طبیعی او قطع می‌شود، اما حیات معقول او باقی است. انسان در مسیر حیات معقول از واقعیات درونی و بیرونی به طور صحیح استفاده می‌کند؛ زیرا تمام ابعاد وجودی او در مسیر گردیدن‌های تکاملی قرار می‌گیرد، اما انسان برای دستیابی به این سطح والای حیات، نخست باید از فعالیت‌های عقل سلیم بهره‌برداری کند که با وجدان پاک و دریافت‌های فطری آدمی هماهنگ است و دوم اراده و عزم جدی داشته باشد تا بتواند از فعالیت‌های عقلانی بهره‌برد که تفسیرکننده هدف اعلای زندگی است. زندگی بدون داشتن هدف اعلی، پوچ است. به وجود آمدن این مختصات را ناشی از ناتوانی شخص از تفسیر حیات و قوانین آن و معلول زندگی خاص آن‌ها می‌داند؛ زیرا این پوچی زندگی، معلولی است که به دنبال علت طبیعی خود فرار رسیده است. مختصات روانی پوچ‌گرایی - که خود، نتیجه بیماری در بعد روحی انسان در عصر حاضر است - عبارت است از:

- (۱) دگرگون شدن احساس حیات طبیعی به طوری که این حیات را به - عنوان ضرورت تفرآور در نظر انسان جلوه می‌دهد.
- (۲) درهم پاشیدگی واقعیات و قوانین و روابط حاکم بر واقعیات در روان انسان پوچ‌گرا.
- (۳) به وجود آمدن موقعیتی که یا سبب اندیشیدن و ناراحتی شخص می‌شود و یا او را از هوشیاری و احساس "من" رها می‌کند.
- (۴) سقوط ارزش‌ها و مخلوط شدن عظمت‌ها و پستی‌ها

راه برون‌رفت از آن، عبور از حیات پست طبیعی و گام نهادن در حیات طیبه که همان حیات معقول است و علم، ایمان و عمل به ارزش‌های والای دینی راه رسیدن به آن است که تفکر "ماتریالیسم علمی" حاکم بر علوم سلامت در غرب، از آن غافل است. از نظر علامه، دوی دردهای نفسانی و روانی که زندگی بشریت را تباہ می‌کند، در قرآن کریم است. (۲) می‌توان رابطه انسان و قرآن را چنین معرفی کرد: قرآن؛ کتاب انسان، و انسان؛ نیازمند قرآن. (۲)

نتیجه‌گیری

از منظر علامه جعفری، حیات معقول در مقابل حیات طبیعی محض قرار دارد و عنصر اساسی برای درک حقیقت حیات معقول، وابستگی و خدامحوری آن است، حیات طبیعی، وسیله و مقدمه‌ای برای حیات معقول است. در حقیقت، حیات معقول همان نگرش فلسفی و عقلانی به حیات طیبه است. ایشان، دو عامل توقف در حیات طبیعی محض (حیات حیوانی) و احساس رضایت در هنگام رسیدن به لذت شخصی را، نفوذ ناپذیرترین سدهای میان انسان و حیات معقول می‌داند؛ زیرا ایشان با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و دینی، حیات ایده‌آل را حیات معقول دانسته است، لذا سعادت انسان و بهشت ابدی و راه رسیدن به آن را در گرو ایمان، عمل صالح و عمل به ارزش‌های والای اخلاقی ممتنع از دین می‌داند. وی هر دو بُعد مادی و روحی انسان را در تکامل "من انسانی" سهیم می‌داند. در واقع، اصل حیات معقول،

اندیشمندان علوم انسانی، موجب متلاشی شدن وحدت حیات انسانی است که آن وحدت، منشأ آثار حقیقی انسانیت انسان است. عامل دیگر "جز این نیست" که هر کدام از محققان، در پی تفسیر و تحلیل یک جنبه خاصی از حقیقت انسان هستند و تحلیل و تفسیر خود را به عنوان حقیقت انسان مطرح می‌کنند و جز تفسیر خود، تحلیل دیگری را نمی‌پذیرند. ایشان، روش علمی کامل‌تر را، "ترکیبی" می‌داند که انسان باید به دنبال درک کلی از هستی و شناخت ارتباطات چهارگانه (انسان با خویش، با خدا، با جهان و با اجتماع) باشد. (۳۲)

در واقع، او روح را حاصل حرکت جوهری جسم آدمی می‌داند که وقتی به مرحله‌ای برسد که قابلیت دریافت روح را داشته باشد در آن ایجاد می‌شود. بنابراین، روح، محصول حیاتی است که خود، محصول فعل و انفعالات عناصر طبیعی است و نمی‌تواند خود به خود، وابسته شعاع ابدیت بوده باشد. (۳۳) بنابراین، جسم انسان با برخورداری از قابلیت دریافت روح، انسان را به موجودی مرکب از دو بُعد تبدیل کرده است. علامه جعفری در درون نفس آدمی به موضوع محوری قائل می‌شود که از آن تعبیر به "من" می‌کند و آن را نقطه مرکزی روح منظور می‌کند. (۳۱) با توجه به جایگاه محوری اصطلاح "من" در مباحث انسان‌شناسی از نظر علامه، انسان علاوه بر غرایز و سایر شئون روانی دارای حقیقتی است که آن را با کلمه "من" به معنای عمومی معرفی می‌کند؛ بعضی این حقیقت را ذات و گروهی آن را از مظاهر روح بر می‌شمارند. به هر حال از نظر علامه، این قضیه انکار شدنی نیست که انسان ماورای غرایز خام، عامل درونی دیگری دارد که آن را "من" می‌نامند. (۳۴) انسان، موجودی نیست که فقط محدود به خود طبیعی باشد؛ بلکه از نظر ایشان، انسان، عنصری آرمانی و اتوپایی در درون خود دارد که او را بر آن می‌دارد تا تفسیر معقولی از وضع موجود ارائه داده و کنش به آینده مطلوب را تضمین کند. (۱۶)

از نظر ایشان، ارزش و اهمیت انسان در معنای زندگی خود و حیات هدفدار است. (۳۵) و انسان در مقام موجودی هدفمند باید به دنبال ایده‌آلی در زندگی خود باشد، در غیر این صورت، زندگی او پوچ و بی‌معنی خواهد بود. ایشان ایده‌آل زندگی را عبارت از: آبیاری و شکوفا ساختن آرمان‌های زندگی گذران از چشمه‌سار حیات تکاملی و انسان و جهان را در خود یافتن و شخصیت انسانی را در حرکت به سوی ابدیت رساندن، می‌داند. (۳۶) برای حصول به فلسفه و هدف زندگی باید حقیقتی را در مافوق وجود آنها و سایه‌هایش به انسان‌ها نشان داد؛ حقیقتی که انسان را به مافوق سایه حیات بکشاند. بر اساس این، انسان باید با بهره‌گیری از توانایی‌های درونی خود چون: عقل و وجدان و نیز احساس تکلیفی که در درون او وجود دارد پا را از من طبیعی خود فراتر ببرد و توجه و اشتیاق مستمر و جدی به تعالی و کمال خود داشته باشد و خود را از آنچنان که هست به آنچنان که باید برساند.

علاوه بر این، انسان در مسیر حیات معقول رو به سوی کمال دارد؛ هیچ‌کس مراحل حیات را به مثابه کمال نهایی تصور نمی‌کند و همواره در تکاپوست تا به اصل والاتری نائل شود. نکته مهم دیگر در این سطح، این است که در حیات معقول، تمامی استعدادهای مثبت انسان به فعلیت می‌رسد و انسان از سعادت حقیقی برخوردار می‌شود.

7. Abolghasemi M J. Inhibiting factors of spiritual health. *Medical History*. 2016; 6 (21): 211-233. (in Persian)
8. Mousavi S A. The Concept of " Life" and its Place in Islamic Life Style. 2016; Volume 19. (65): 563-580. ((in Persian) Persian)
9. Ibn Manzoor M M. *Lesan al-arab*. Volume 14. 3rd Edition. Beirut. Dar al-Sader; 1994. (in Arabic)
10. Mostafavi H. Research on the words of the Holy Quran. Volume 2. Tehran. Book translation and publishing; 1981. (in Arabic)
11. Ragheb Isfahani H I M. *Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran*. Davoodi S A. Research. Damascus Dar Al-Alam - Dar Al-Shamia; 1992. (in Arabic)
12. Mulla Sadra. *Al-Mabda and Al-Ma'ad*. Edited by Ashtiani S J .Tehran. Iranian Society of Wisdom and Philosophy; 1975. (in Arabic)
13. Motahari M. collection. Volume 27. Tehran. Sadra; 1988. (in Persian)
14. Mulla Sadra, *The transcendent wisdom in the four journeys (al-hekma al-motaaliyah)*. 3rd Edition. Volumes 6 - 8. Beirut. Dar Al-Ehya Al-Troth Al-Arabia; 1981. (in Arabic)
15. Tabatabai S. M. H. *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*. 1th Edition. Volume 2. Qom. Islamic Publishing; 1997. (in Arabic)
16. Jafari Tabrizi M.T. Translation and interpretation of *Nahj al-Balaghah*. Volume 12 Tehran. Islamic Culture Publishing Office; 1983. (in Persian)
17. Jafari Tabrizi MT. Translation and interpretation of *Nahj al-Balaghah*, Volume 2. Tehran. Islamic Culture Publishing Office; 1999. (in Persian)
18. Jafari Tabrizi M.T. *Quran. A symbol of sensible life*. 3rd Edition. Tehran. Institute for Compiling and Publishing the Works of Allameh Jafari; 2005. (in Persian)
19. Lakzaei Sh. Freedom and a reasonable life in the mind of Ayatollah Mohammad Taghi Jafari. *Political Science*. 2002; 7(26): 117-140. (in Persian)

همان عینی کردن هدف و فلسفه زندگی است و هدف؛ عنصر اصلی تعقل است و تقوا؛ گذر از پلیدی و خود طبیعی است و وجدان، خودآگاهی و علم حضوری نیز به انسان در درک حالت روحی کمک می‌کند. از دیدگاه علامه جعفری، هدف اعلائی تمام تعالیم الهی، هدایت انسان برای گذر از حیات طبیعی و گام نهادن در حیات طیبیه (معقول) بوده است. لذا، کلید حل مشکلات روحی و معنوی انسان حاضر، علم و معرفت و عمل به ارزش‌های اخلاقی دین است که در این صورت، سلامت هر دو بُعد انسان تأمین می‌گردد و اطمینان بر شک و احساس پوچی او مستولی می‌گردد و آرامش روحی و روانی بر اضطراب و تشویش معنوی غالب می‌شود. بنابراین، دوی تمام بیماری‌های روحی-روانی بشر امروز در قرآن کریم ذکر می‌کند.

پیشنهادهای

با توجه به جامعیت علامه جعفری در علوم عقلی و نقلی و نیز به روز بودن سرفصل‌های مباحث ایشان در زمینه فلسفه و هدف زندگی و نیز بیماری‌های روحی و روانی، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی؛ ۱) "رضایت‌مندی" و نقش آن در سلامت معنوی از منظر علامه جعفری و نیز؛ ۲) مختصات اخلاقی "انسان متوقف در حیات طبیعی" بر اساس آرای ایشان و همچنین؛ ۳) مختصات اخلاقی- تربیتی "جامعه معقول" بر اساس دیدگاه‌های ایشان، مورد مذاقه و بررسی پژوهشگران قرار گیرد.

References

1. The Holy Quran
2. Maaref M, Asadi F. Factors of achieving spiritual health from the perspective of Quran and Hadith. *INSIGHT AND ISLAMIC TRAINING* 2017; 14 (41):19 – 40. (in Persian)
3. Jafari Tabrizi M.T. *A reasonable life*. Tehran. 2nd Edition. Institute for compiling and publishing the works of Allameh Jafari; 2010. (in Persian)
4. Dekhoda A. A. *Dekhoda Medium Culture*. Tehran. Institute of Publishing and Printing, University of Tehran.; 2006. (in Persian)
5. Azizi F, Marandi et al *Spiritual Health a New Dimension of Health* Tehran. Legal Publications (Spiritual Health Group of the Academy of Medical Sciences); 2014. (in Persian)
6. Nasr S H. Religion and the order of nature," translated, Rahmati A I. Tehran. Ghazal Printing; 2007. (in Persian)

29. Jafari Tabrizi M.T. Translation and interpretation of Nahj al-Balaghah. Volume 2 Tehran. Islamic Culture Publishing Office; 2008. (in Persian)
30. Jafari Tabrizi MT. Interpretation and critique of Masnavi. Jalal al-din Mohammad Balkhi. Volume 2. 11th Edition. Tehran. Islamic Publications; 1987. (in Persian)
31. Jafari Tabrizi MT. Creation of man. 2nd Edition. Tehran. Allameh Jafari Institute for Compilation and Publication of Works; 2009. (in Persian)
32. Jafari Tabrizi MT. The endeavor of thought. Edited Rafiei A. 1st Edition. Qom. Publications of the Islamic Culture Publishing House; 1994. (in Persian)
33. Omid M. et al. Dictionary of specialized terms by Professor Mohammad Taghi Jafari. Tabriz. 1st Edition. Yas Nabi Publications; 2005. (in Persian)
34. Jafari Tabrizi M.T. Determinism and Free will. Tehran. Institute for Compiling and Publishing the Works of Allameh Jafari; 1379. (in Persian)
35. Rezazadeh H, Rahmani Asli M. Comparison of the meaning of life from the perspective of Mohammad Taghi Jafari Tabrizi and Friedrich Nietzsche. Religious Anthropology. 1392; 10 (30): 134-115. (in Persian)
36. Jafari Tabrizi MT. Ideal life and ideal life. 7th Edition. Tehran. Allameh Jafari Institute for Compilation and Publication of Works; 2007. (in Persian)
37. Nasri A. The endeavor of thoughts. Tehran. 2nd Edition. Institute of Islamic Culture and Thought; 1991. (in Persian)
20. Jafari Tabrizi MT. Philosophy of Religion. 1st Edition. Tehran. Institute of Islamic Culture and Thought; 1996. (in Persian)
21. Madahi J. Sarafi jam M. Bagheri Kh. Investigating the meaning of life based on Allameh Jafari's anthropological perspective and the educational principles governing it. Educational Sciences from the Perspective of Islam. 2017; 5 (8):36-58. (in Persian)
22. Zare F, Shanzari J. Characteristics of rational life as the transcendent goal of man and the way to achieve it in the thought of Mohammad Taghi Jafari. Philosophy of Religion. 2017; 14(1):49-73. (in Persian)
23. Jafari Tabrizi MT. Translation and interpretation of Nahj al-Balaghah. Volume 8. Tehran. Islamic Culture Publishing Office; 2009. (in Persian)
24. Jafari Tabrizi MT. Translation and interpretation of Nahj al-Balaghah. Volume 4. Tehran. Islamic Culture Publishing Office; 2009. (in Persian)
25. Jafari Tabrizi M.T. Science and religion in a reasonable life. 5th Edition. Tehran. Institute for Compiling and Publishing the Works of Allameh Jafari; 2010. (in Persian)
26. Jafari Tabrizi M.T. Human in Islam. Collected, Javadi M R. Qom. Publications of Islamic Culture Publishing Office; 1998. (in Persian)
27. Jafari Tabrizi M.T. Cognition of man in the sublimation of evolutionary life. 1st Edition. Tehran. Publications of the Institute for Compiling and Publishing the Works of Allameh Jafari; 2009. (in Persian)
28. Hemmati Arqoon Z. The Human Being as a Being towards the Transcendence: Allameh Jafari's Philosophical Anthropology and Tracing Certain Elements of Erich Fromm's in it. Comparative Theology. 2019; 10 (21):79-94. (in Persian)
28. Javadi Amoli, Society in the Quran, Qom. Esra Publication; 2009. (in Persian)